

تاریخ 2009 / 01 / 21

محمد عابد خیدری «غوری»

آقای بیات نخواند

دلم ز دست دو رنگی دوستان تنگ است
فدای همت دشمن شوم که یک رنگ است

این ورق پاره ندای حق خواهانه جمعیت حدوداً هشتصد هزار نفری قوم ولایت است که صدها میلیون انسان سایر کشور های جهان به تاریخ و گذشته آن افتخار میکنند و با هر نوع پیوند به غور و غوریها می بالند. وسایل مدرن ارتباط همگانی مصدق این مدعای ماست. بلی هموطن عزیز، خواننده گرانقدر!

در هزاره ای که ما در آن زنده گی میکنیم، دیگر جهان ما به یک دهکده تبدیل شده است. شعاع نور بخش وسایل ارتباط همگانی (میدیا) که تبدیل کننده جهان مابه یک دهکده است و تا کران، کران این کره خاکی یکسان نور افشانی میکند، که هر کی در این دنیای پهناور در حد توان مالی- اقتصادی خود ازین نعمت بزرگ بهره مند میشود. افغانستان هم که خارج ازین دهکده قرار ندارد، تحت حمایت طیارات (بی ۵۲) امریکایی، تانک و توپ مدرن و مجهز بشتر از چهل کشور دنیا و با حضور حدود هشتاد هزار عسکر مست و ملنگ شان، از نعمت موجودیت وسایل ارتباط همگانی مانند: رادیو، تلویزیون، روزنامه - جریده، انواع مختلف تلفونها، انترنت ۰۰۰ و غیره، نه تنها محروم نمانده، بلکه بر عکس اکثریت کشورهای جهان، در چاپ و نشر روز نامه ها، مجلات، هفته نامه ها، ماه نامه ها، مجلات، فصلنامه ها و سالنامه ها، افراط غیر قابل قبول هم صورت گرفته و میگیرد.

همین اکنون حدود یکهزار نشریه چاپی، صدها پایگاه رادیویی و ده هامرکز نشرات صوتی- تصویری (تلویزیون) در افغانستان کشوری که بیشتر از شش میلیون باشندگان آن زیر خط فقر زنده گی میکنند، کشوری که بین ۶۰ تا ۷۰ درصد اتباع آن از نعمت خواندن و نوشتن محروم اند، فعالیت دارند. با آنکه اکثریت مطلق مالکین این دوکالین صوتی- تصویری نه قصد روشنگری دارند و نه هم قطعاً به دموکراسی و آزادی بیان، باور ندارند، باز هم موجودیت شان گامی به جلو بشمار میرود.

تعدادی انگشت شماری از مالکین این مراکز نشراتی (از جمله آریانا) که تاحدودی به آزادی بیان باور مند بوده و از گسترش روشنگری هراس ندارند، نباید مجری سیاست نا پسند «یک بام و دو هوا» باشند.

اگر از جهان بزرگ و پهناور که از برکت میدیا به یک دهکده تبدیل شده، صرف نظر نموده، صرف به ششصد و پنجاه کیلو متر مربع آن که یک کشور (۹) حرفه است و در بین کشور های (چین، تاجکستان، ازبکستان، ترکمنستان، ایران و پاکستان) موقعیت دارد و از جمع این ۹ حرف «افغانستان» ساخته میشود موضوع اصلی این نوشته را احتوا میکند، دقت نمایم این سرزمین (افغانستان) نام دارد و در نفسش به (۳۴) واحد کوچک که ولایت نامیده میشود، تقسیم گردیده است. هر کدام ازین واحد ها دارای افتخارات امروز و دیروز مخصوص و منحصر بخود بوده، همانطوریکه تاریخ و افتخارات تاریخی این واحد ها از هم تفاوت داشته، امروز شان ویا بهتر است که گفته شود از امکانات اقتصادی، سیاسی، اداری، ساختمانی، ... متفاوت بهره مند اند.

اینکه چرا غور «ولایتی در قلب افغانستان» و باشندگان آن در مقایسه با سایر ولایات و باشندگان این سرزمین تقریباً از همه امکانات مادی و معنوی مربوط دولت مرکزی جبراً و قهراً محروم اند، دلیل خاص خود را دارد. غور و باشندگان آن مورد غضب خواهر زاده ای خود «حامد جان کرزی» قرار گرفته اند. (آقای کرزی در اولین و یگانه سفرش بولایت غور با افتخار اعلان نموده بود که من خواهر زاده غوریها هستم، مادرم غوری بوده.) او وعده های زیادی به به ماما خیلپایش داده بود. اما در اولین انتخابات ریاست جمهوری مردم غور به آقای کرزی رای ندادند. یا بعبارت دیگر، ماماها با شناخت کامل که از خواهر زاده خود داشتند او را شایسته مقام ریاست جمهوری افغانستان ندانسته، به او رای ندادند که انصافاً کار بسیار عالی هم کردند. امروز با سر و گردن بلند میتوان ادعا کنند که از این همه مصایب مانند: رشوت، اختلاس، فقر، قاچاق، بمبارد مردمان ملکی، ... و دهها مصیبت دیگر که در دوره ریاست جمهوری کرزی صاحب صورت گرفته است، بری الذمه اند. دلایل دیگری هم در عدم توحه دولت!!! آقای کرزی و یاران خارجی اش نسبت به غور وجود دارد. غوریهای فرهنگ کتاب و مکتب سوزی، عالم و روحانی کشی، پل و پلچک تخریب

تعداد صفحات: 1 از 2

افغان جرمن آنلاين شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید

maqalat@afghan-german.de

کردن، بروی دانش آموزان تیزاب پاشیدن، عمل انتحاری کردن ۰۰۰ را هم ندارند تا تفنگداران خارجی حامی رژیم دموکراتیک! کرسی که در کشور اند، طوریکه به زادگاه مجریان اعمال فوق کمک میکنند، کمک کنند. غور تاختم زمامداری کرسی از همه چیز همینطور محروم خواهد ماند. اما مدت مدیدی است که یک پرسش ذهنم را سخت مصروف خود ساخته و تا هنوز که هنوز است به آن پاسخ پیدا کرده نتوانسته ام. پرسش مذکور اینست که:

«چرا غور و باشندگان آن بر خلاف باشندگان سایر ولایات از چشم تیز بین آقای احسان الله بیات بدور مانده است؟»

خوب اگر قبول کنیم که ولایت غور سرک مناسب ندارد و رفتن بآن ولایت با داشتن راه های صعب العبور «که چنین هم نیست» کار مشکل است و انتقال مواد امدادی کار دشوار است (که قطعاً چنان نیست) درین قسمت میخواهم به همه هموطنان بگویم که: غور یگانه ولایت در افغانستان است که تا تحریر این سطور بصورت قطع کلاه های پیکدار زرد رنگ بنیاد بیات در آن توزیع نشده و یگانه نقطه افغانستان خواهد بود که باشندگان آن، مرکز خیریه ای بنام «بنیاد بیات» را نمیشناسند.

مردم غریب اما متین، قانع، متکی به نفس و باشهامت غور ازینکه بنیاد بیات به آنهاخیرات توزیع نکرده، اصلاً ناراحت نیستند. اما اینکه ولایت غور را از نقشه زون نشراتی تلویزیون جهانی!! آریانا خارج ساخته، دیگر قطعاً قابل قبول نبوده، به او نخواهند بخشید. مسولین و دست اندر کاران تلویزیون آریانا در یکی از اعلانات اشتهاری (ریکلام) خود ادعا میکنند که گویا آریانا یگانه رسانه سرتاسری در داخل کشور است. وقتیکه بخاطر تایید این ادعای خویش نقشه افغانستان را در صفحه تلویزیون به نمایش میگذارند، حدود جغرافیای ولایت غور با (۳۳) ولایت دیگر «از نگاه رنگ» تفاوت دارد. که این دیگر کمتر از یک لکه ۰۰۰ بر پیشانی دست اندر کاران شبکه رادیو تلویزیون آریانا نخواهد بود.

در اخیر باید نگاشت که:

- ۱- اگر آقای بیات متوجه این نقیصه ای بزرگ است؟ باید واضح سازد که مشکل ایشان با غور و غوریها از چه قرار است؟
- ۲- هر گاه از نقیصه ذکر شده که هویت افغانستان شمول بودن تلویزیون را زیر سوال میبرد مطلع نیست، با مطالعه این سطور به رفع این کمبود بزرگ اقدام عاجل نماید.
- ۳- و یا هم از نشر ریکلام ذکر شده که معرف محرومیت غور و غوریها از نشرات تلویزیون آریانا است، جدآ خودداری نموده، از نمک پاشی بیشتر بر زخمهایمان خودداری کنند. منتظر اقدام عاجل آقای بیات هستیم.